

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش نامه‌های کوشش

بهیچ حزب -  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۳ دی ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۳۹

۴۲

## اوضاع آذربایجان

نمایندگان، مجلس را از خواب غفلت بیدار خواهد کرد؟

موضوع آذربایجان در دو هفته گذشته مهمترین مسائل مورد بحث بود. نه تنها عموم ایرانیان یا نگرانی عجمی اوضاع این ناحیه مهم مملکت را نگرینت و مینگرینت بلکه از لحاظ بین‌المللی هم میتوان گفت درواس مسائل مهمه قرار گرفته است.

موضوع آذربایجان را هر کسی بنومی مطابق نظر خاصی قضاوت میکند و کثرت دیده میشود که نظریات عمومی و منظورهای شخصی کنار گذارده شود و حقیقت اظهار گردد، زیرا حقیقت و حقیقت تلخی است و اظهار آن موجب خواهد شد که تیرهای ملامت و توبیت از هر طرف بر سر گوینده فرود آید.

راجع به اوضاع آذربایجان اغلب راه‌بانه میبایند:

هدای منکر نهضت آذربایجان بوده کلیه کسانی را که در این حرکات شرکت داشته‌اند متجاسر - مترو - غیر آذر بایجانی و حتی بیوطن مبعوثان در صورتیکه این همه شدت صحیح نیست و نمیتوان گفت که عناصر ایرانی و مطبعت هم در آن شرکت ندارند و یا شرکتشان هم روی اصول صحیح منکی بدلایل غیر قابل تردیدی نیست.

در اینکه تحریکات خارجی هم در شدت و سرعت عمل و فراهم آوردن اوضاع ملی موثر بوده نمیتوان تردیدی داشت و تکذیب مدخالات هم قابل قبول نیست.

معاذیر دولت و نمایندگان مجلس حکه میگویند فرصتی برای اصلاح نبوده همیشه مشغول مهمان نوازی متغین و غیره بوده ایم بدلای نشینت.

بدبختی در اینجاست که همه به تبارق و تعلق و مدح و ثنا میکنند و در مقابل تمام این وقایع فقط حرف تحویل میدهند همه تصدیق دارند که اوضاع بسیار خراب و شالوده کارهای مملکت در مرکز

به ناسبت

### شهادت یکی از فرزندان کرد

گلوله‌ای که آهنک مرگ از آن بر میخاست اعطای هواداشکافت و بر پیکری فرود آمد، افسری رشید در خاک و خون غلطید و گفتند:

«سرگرد ظفر اردلان شهید شد»

سه سال پیش در اول دی ماه یکی از پاکترین فرزندان کرد و یکی از افراد مین پرست و خدمتگذار ایران در راه امنیت فارس شربت شهادت نوشید.

سرگرد ظفر اردلان که دوران جوانی خود را در راه خدمت باین آب و خاک صرف کرده بود پس از هفت سال جانشانی و فداکاری در راه امنیت فارس، سرانجام با گلوله ناحق یکی از اشرار شهید شده جان خود را فدای انجام وظیفه مقدسی کرد که جامعه برای او تعیین نموده بود.

دوینا سرگرد ظفر اردلان، یکی از پاکترین افراد کرد شهید شده و همه بر او اشکها نشاندند و سوگواریها کردند ولی انوس که اینگونه فرزندان دوستکار مین پرست و نوس دوست نه تنها در ایران بلکه در دنیا کم نظیر و نادارند.

سه سال است سرگرد ظفر اردلان از میان ما رخت بر بسته و هوم دوستان و خویشان و نزدیکان را در ماتم گذاشته سرگرد ظفر اردلان و نث ولی قلب بازمانده کانش همچنان جریحه دار است.

ناله‌های جانگداز و نثرانه‌های جانسوز هر سال در این موقع این بیوفانی جهان خدادار را بکوش دوستان میرساند کوهستان

بقیه در صفحه ۸

و دولتی ملی داشته باشیم گناه بزرگی مرتکب شده‌اند؛ آبا این در غواست غیر مشروعی است و در غواست گفتند کان مستحق تومری جس و تیب و اهدامند؟

نه. بقای مملکت ایران در این است که مردمی زنده سکتان را تشکیل دهند و مردم را زنده نیتوان نگه داشت مگر سیر باشند، از مرکز و میر آنها نمیتوان جلوگیری کرد مگر در سایه بهداشت صحیح. از غیرت و وطن پرستی آنها نمیتوان توقع داشت مگر با تلمیم و تربیت درست.

حال اگر بر مین این اولیای محترم، این نمایندگان دلسوز، در مقابل چه این همه توقع از ملت دارد؟

لا بد از همان فرمایشات پارلمانی باز شاز ملت شش هزار ساله خواهد فرمود، و با افتخارات تاریخی و تعریف از نجابت و بردباری، که خاص ایرانیان است، آنها را بتعمیل، صبر و شکیبایی دعوت خواهند فرمود.

این ها دیگر کهنه شده حکم گرفته حواله شنیدن موعظه این ها دیگر کهنه شده حکم گرفته حواله شنیدن موعظه

بقیه در صفحه ۸



# خبرهای کشور

## وضع دولت

بر اثر عدم موقعیت دولت در حل مسئله آذربایجان تزلزل بکابینه راه یافت که بالاخره منجر به ترمیم گردید آقای اللهیار صالح وزارت کشور و آقای پهاشم صیبا پرواز پیشه و هنر انتخاب شدند.

آقای فربسی که وزارت کشور را عهده دار بودند طی نامه ای که بعضی از جراید نوشته اند استعفا خود را از مقام وزارت تکذیب و عهده قبولی ست استان داری غرب را اعلام داشته و نوشته اند مادام که ایشان جواب گفته های آقای دکتر مصدق را ندهند هیچ مسئولی قبول نخواهند کرد.

## اوضاع آذربایجان

روز چهارشنبه ۹/۲۶ مجلس ملی آذربایجان با حضور قریب هشتاد نفر از نمایندگان افتتاح یافته آقای پیشه‌وری به ریاست دولت و آقای شبنیری ریاست مجلس انتخاب شدند بعد از ظهر همان روز آقای پیشه‌وری وزیران کابینه خود را معرفی ولی برای وزارت خارجه کسی را معرفی نکردند

دولت آذربایجان مینواند ۲۵۰۰۰۰ صد مایلیان هارا برای معارج عمومی معائنات بدولت مرکزی پرداخته بقیه را در آذربایجان مصرف نمایند.

پادگان تبریز در هفته گذشته تسلیم وانسرا بوسله هواپیمای و اتومبیل به تهران وارد شدند آقای سرتیپ درخشانی فرمانده لشکر تبریز فلامان باشگاه افسران تحت نظر میباشد.

روزهای اخیر پادگان های میانواب واردبیل نیز تسلیم دمکرات ها شده اند

## انجمن های ایالتی و ولایتی

آقای نعت وزیر و آقای صالح وزیر کشور تلگرافا به شهرستان ها دستور داده اند که قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را که تا بحال اجرا نشده بوقع اجرا بگذارند

## انتصابات وزارت دارائی

آقای عباس قلی اردلان بست خزانه دار کل انتخاب شده اند آقای دکتر کاویانی بدر پرست کل کار کزینی و آقای دهایی شکاری دارائی فارس منصوب شده اند

## بهداری شهرداری

آقای دکتر محمد غمتم بری بسمت ریاست بهداری شهرداری انتخاب شده اند

## دروازت دادگستری

آقای محمد باقر امین بکفالت دادستان دیوان کیفر منصوب شده اند

## انتصابات وزارت کشور

آقای نصرالوله اصفادی که بسمت استانداری خراسان انتخاب شده بود بجهل وارد و مشغول کار شده اند

آقای فرخ بست استانداری فارس منصوب گردیده اند

آقای احمد علی بی آرم بست معاونت استانداری فارس و فرمانداری شیراز و آقای اسمعیل نواب بست شهرداری شیراز انتخاب شده اند

آقای بزرگ گلپر بست فرمانداری فردوس

آقای احمد اصلاحی بست فرمانداری همدان

آقای هرمز احمدی بست فرمانداری بروجرد

## انتصاب

شهر انتصاب آقای میر محمد علی مشیری (مشیرالاشراف) را بست ریاست شعبه تجدید نظر املاک در هفته گذشته جرایم پاینخت درج نموده بودند

آقای مشیرالاشراف از قضات با سابقه و درستکار دادگستری هستند و سابق خدمت روشن و روشن ایشان در سواسی مختلفه مملکت شهرت خاصی دارد

اینگونه انتصابات است که موجب امیدواری و تشویق کارمندان صدیق و درستکار میگردد

## کارخانه چای در کردستان

بعلاوه اینکه اطلاع رسیده از اول سال جاری حاجی مصی الدین بهرامی بازرگان و کاظم شکرچی برادر زاده او بوسله نمایندگی خود در همدان هر هفته مقدار کلبی چای داغانه که ارزش آن بکمن ده تومان بیشتر نیست وارد و هر یک دو منزل خود دیگهای بزرگ بیا کرده چایها را با جوش شیرین در آن ریخته میجو شانند در نتیجه این عمل چای بران و سیاه شده بشرخ چای اخلا بفروش میرسانند

اغیرا چون تقلاب آنها عانی شده مردم شهر سندج از خرید این قسم چای خودداری نموده ولی تجارت آقایان بوسله عاملین کارشانس خود دردهات زووه رود و کاره رود و بیلاق ادامه دارد

کوهستان - توجه فرمانداری و دادستان شهرستان سندج را باین موضوع جلب مینماییم

## خدا به بخش هم برکت بدهد

اطلاع میرسد که غلامحسین رشیدی ابقار دارد چندی قبل پاداره بخش رفته و صندوق چای خارجه بوسله حسال منزل محمد رشید نام سراج ساکن محله چهار باغ (که دلال فروش چای ها و ده) فرستاده در بین راه دو نفر مسعود رشیدی پائی و میرزای حاجی ابوالحسن حسال را تمینب و موضوع راه باز رس اداره اطلاع میدهند روز بعد وقتیکه منزل غلام رشیدی تقبیس میشود هفت بار چای خارجه وقت کشف میشود غلام رشیدی و حسال بازداشت میشوند ولی امین پور و اربابان همدستان غلام آزادند

این نمونه کوچکی از خوردن مال بی صاحب و بی حساب دولت است چقدر باید ناشکر باشنند که نیکو بند و خدا به بخش برکت بدهد

بیمایم و جز دوستی و ملاطفت چیزی از رفیق خود رویاه ندیده ام. ماغبال داریم برای صبح برویم اگر تو هم میل داری با ما هم سفر شو. کیک که گفته ساده و بی آرایش خروس را شنید قبول کرد از تبه با این آمد و بومهرامی آن دو برداشت.

مسافرت ادامه یافت. مسافرت چند ساعتی راه رفتند در کنار بر که اردکی دیدند اردک خروس و کیک را صدا کرد که چرا غافل هستی بیا این رویاه مکار کجا میروی مگر نپیدانده که این معیل شما را خواهد خورد. آن ها جواب دادند رویاه حاجی شده و قصد مسافرت بیج را دارد ما هم با او میرویم که بخانه خدا مشرف شویم و اطمینان داریم که حاجی رویاه کوچکترین تصدی به احدی ندارد نشانه خدا پرستی و بی آزاری او را مگر نمی بینی که بر دوسر بیجیده است؟ اردک هم بسادگی هرچه شامتر قبول کرد و گفت پس منم با شما خواهد آمد او هم باین مسافرت راه خدا پیوسته صحبت گفان راه افتادند.

حاجی رویاه کم کم گرسنه شده بود و در راه اتصالا بفکر این بود که چگونه ممکن است بدون اینکه موقن برار شوند هرسه را بخورد. در این فکسر بود که بیالای تبه ای رسیدند رویاه از دور سوراخی دید که در آن هرسه برنده را ممکن است جای داد کم کم بآن نزدیک شده چون محل را برای انجام منظور خود مناسب دید گفت رفقا ما بساید امشب اینجا بمانیم اینجا عرفات است جاهم مناسب است شام بتوانید امشب براحتی در این سوراخ بسر برده من هم جلو سوراخ مواظبت خواهم کرد که کسی ادبیتی پشانکنند انشاء الله فردا صبح بطرف خانه خدا خواهیم رفت آن سه قبول کرده داخل سوراخ شدند رویاه هم سنگی جلو سوراخ گذاشت. سه رفیق سفر خوب پدام افتاده بودند. رویاه موقن شده بود.

## یک قصه کردی

### اقباس از روژانو حاجی رویاه

روزی رویاهی بقصد گرفتن خروسی رفت آهسته وارد خانه شد ولی قبل از موفق شدن بشکار خود خروسی از تشریف فرمائی و قصد رویاه واقف شده بر بلندی پرید و بنای فریاد کردن را گذاشت. رویاه خروس قریه را دید نتوانست صرف نظر کردن از او را تحمل کند ناچار بفکر حیل افتاد از خانه دور شده پارچه سفیدی یافت و آن را بدور سر خود بیچیده مراجعت کرد در حالیکه قیاله جدی بخود گرفته بود خروس را صدازد خروس که صدای رویاه را شنید بدون اینکه احتیاط را از دست بدهد از بلندی که بر آن قرار داشت متوجه او شده و منظور از صدا کردن و پرسید رویاه گفت واهمه کن پالین بیا با هم قدری صحبت کنیم خروس گفت: چگونه من نزد تو بیایم تو که در کبین منی مرا گرفته خواهی خورد؟ رویاه گفت مگر نیبینی؟ من حاجی هستم توبه کرده ام دیگر بر ندکان را نخورم، حال من میوه ام بیج روم در صورتیکه تو هم مایل باشی می توانی در این مسافرت با من همراهی کرده تا با هم مجددا بخشش گنهان گذشته خود را از درگاه خداوند متعال طلب کنیم. خروس خوش باور قبول کرد و از بلندی فرود آمد با رویاه راه افتادند.

صحبت گفان ازده خارج شده از کنار تبه ای گذشتند کبکی در آن جا بود کیک که خروس را همراه رویاه دید بانک بر او خروس کجا میروی؟ مگر نمی بینی رفیق راه تو رویاه است و قصد خوردن تو را دارد؟ خروس جواب داد مگر تو نمی بینی رویاه حاجی شده از این قبیل کارها توبه کرده؟ الساعه بیش از یک ساعت است ما با هم راه می



بقام آقای مهندس گودرزی تبریزی

### دنیا در هفته پیش

روزی که هیئت سازنده رایش سوم و بنیتو کارینو و آنتونی ژول سزار طومار صلح را مانند کاغذ پاره، پاره و دور افکندند. آن دقایق جانسوزی که دروازه های استالینگراد و لنینرادیروی نازی با مشت های پر خود میکوفتند، تا آن هنگام که ورق نبرد برگشت و نیروی چاروان آزادی بر جهانی و پسران و ممیت زده سایه افکندند، ماهی در نتیجه نهایی جنگ متفق بودند و همه میگفتند چرخهای کسند ارابه عدالت بالاخره در راه شکست ملل مهاجم پیش خواهند رفت و اگر هم بموانع چندبارت خورد کنند روز آخر بسر منزل پیروزی خواهند رسید.

چرخهای کسند کهنه ارابه عدالت بسر منزل پیروزی رسید و دنیای ستم دیده تصور کرد پس از این در راه صلح و صفا سعادت و آزادی برادری و برابری قدم خواهند زد و به رزبهای خوش و شیرین خود را تسلیم و چندی آزادانه بشکروند و خواه برداخت و آزادانه از جهان آزاد بیاس آنها سستی و زشتی کامو بهره خواهد گرفت اما معلوم شد، شکست و پیروزی یا جنگ و صلح، هر دو هر چیز و همه چیز را باید در وقت و دانست و بکسان تلقی شود.

داغ باطله که دنیا از دو جنگ که فاصله بیست سال شروع شد بسر پشیمان دارد، مصائبی که بیست سال آشوب و این آنت جانسوز گریبانگیر انسانیت منلوك نمود، ویرانی، خسارت، کشت و کشتار گرسنگی و محرومیت و آنچه زشتی و پلیدی مثل اینکه هنوز برای دنیا کانی نیست و باید انتظار جنگ دیگری که اگر دور نباشد دیر هم نخواهد بود، کشید. اگر بتوانید انتهاب و شو خانوادهای بی پدر، مادران بی پسر، کودکان یتیم، سرداران محروم و منلوك، سر بازان در بدر و گرسنه را در نظر مجسم کنید، فلسفه تعولات این تمدن و اجتماع آلوده و کثیف را آموخته اید. فراموش نکنید اگر دنیا با این روش پیش رود و وقوع نبرد مجددی قطعی خواهد بود.

طی هفته که دیروز پایان رسیده حوادث مهمی در جهان روی داد که هر یک ثریه خود تاثیر زیادی در اوضاع فعلی کیتی داشت و چون التهاب و تحول بی سابقه پس از جنگ در کشورهای خست و کوفته پیداشده و روز بروز شدیدتر و عجیبتر میشود بنا بر این هر هفته انتظار حوادث مهمتری از هفته پیش را داشته باشید. ما وقایع این هفته را که مشعون از حوادث سیاسی مهمی بود برقرار زیر شرح میدهیم. از روز شنبه ۲۴ آذر انجمن جدید سولژر امور خارجه دستبرتر، رفیق مولوتف

بوین در کاخ اسپیدی دولت کا در مسکو تشکیل و هنوز ادامه دارد.

مذاکرات در اطرافهای در بست و کاملاً مرموز انجام و با قول مغیر اتحادیه مطبوعاتی انگلیس اخبار جدا سانسور میشود. اما قیانه انجمن تا کتون وضایت بعش بوده و فعالیت شدید و بی نظیری سه وزیر و رازبان آنها بهرچ میدهند که اشتباهات مرتبه گذشته و آن هیاهوی سیاسی مجدداً تکرار نشود.

از انجمن لندن تا مسکو سه ماهه چند روز میگذرد و در انجمن گذشته که ۲۸ روز طول کشید جز در باره چند مسئله زیر با افتاده مانند غرامات جنگی و شناسائی اطریش و صلح با فلانده توافق نظر حاصل نشد و اغلب مسائل بفرنج و بیجیده مانند مسئله انعقاد صلح با ایتالیا و مستلکات آن و شناسائی کشورهای بالکان و کنترل ژاپن و آلمان اشغال شده خصوصاً مسئله نفت رومانی و نفت خاورمیانه همانطور دست نخورده مانده و در این مدت يك سلسله مسائل عجیب دیگر نیز مانند موضوع آندولتری و آذربایجان و ترکیه نیز مزید بر علت شده که باید خواه تا خواه در این انجمن حل و مطرح گردد. اما مسئله این که تا چه اندازه انجمن مسکو قادر بحل این قضایا خواهد بود؟ آن شورای است که اجازه فرمایند بعداً جواب آن را عرض کنم موضوع چیتو جنگ خانگی آن که پس از سالها نبرد طاقت فرسا مدتی است باو مابین ارتش مارشال پیانک و بیگ و افراد ژنرال شدن لای در گرفته آتم موضوع نماند انگیز و قابل تعمق است.

کشور آسمانی چین با ۴۰۰ میلیون نفوس همیشه در نتیجه اعمال مغرضانه گرفتار برادر کشی یا بیکار های خارجی بوده و اسلحه خطر زرد که همیشه برای بلعیدن دنیا و جهان متمدن آن ت برنده و قاطعی بوده امروزها غطری برای خود چینی های بی تراشه است ژنرال چنل لئی ایش به نمایندگی کمونیست ها از طرفی اظهار میکنند که کمونیست ها برای استقرار آرامش در چین منتهای کوشش و بکار خواهند برد و لی ایش دیگر زرد و خود و خود کشی بی رحمانه در اقباق قاطع جریان دارد. سر این رشته بکجا خواهد پیوست و این فصل خونین کی خاتمه پیدا میکند. آتم باعث شگفتی و تعجب است فلان باید منتظر وصول اخبار از جلسات جدید و پیروسیورهای چینی که با حضور چیان سان در چونگ کینگ تشکیل شده بود تا بعد قرار داد مالی انگلیس و امریکا ( برنن وودز ) و تمهید اخلاص بقتدار ۱۱۰۰ میلیون لیره با فرغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ بدست ۲ سال از امریکادر مجلسین انگلیس با این که دو مرتبه اول با مخالفت شد بد نمایندگان دولت ( مصافحه کار ) و حتی نمایندگان موافق دولت ( حزب کارگر - میس چلی ) واقع شد ولی بالاخره با اکثریت خوب تصویب گردید و قدمی در راه پیشرفت صلح و آزادی با این صل برداشته شد معاف ملطخ اظهار می

اثر طبع مرحوم سید عبدالرحمن شهر بیواوی و متخلص بعموم

### بصنایب آمدن فصل زمستان

زوسانن وهی رمنگ ده گردون یوان  
کیجا کیج لول کلیله ی کوان  
بنا باشی برج برزه دیساران  
سفید کاری کرد طاقچه ی مغاران  
چه شیرین زه رگ رهوا، طرف سرد  
گو: واره نه گوش نه ونه عامان کرد  
بی نگای بالای نه مام بی که رد  
یه بخ آینه که رده تم چار شیو آورده  
ای محبوب خاص ای بینای نه مام  
مه نالویه ی به زم ساقی و شیشه و جام  
ساقی باک لین جه سه ردی دهی دهی  
هوا ده شکر نش نهی نوشای مهی  
آخر سه رومه شقن پری میخواران  
وارده ی ویرده ی و یاراده ی یاران  
چون نهدل شنوی مزه ی هه ی واران  
بدیه چون وه توی سونگی مه ویران  
زوانه که سوز دسته که ناله  
بکیا نور یزو رحمت پباله  
ره حجت وه روی خاک رستگاراندا  
پباله وه ده م انتظاراندا  
ده برن با ای بیخ نه ی گوزه ره وه

جامی وه دس نین دس وه سه روه  
این قاعه را آقای ن. آ. از سنده ارسال داشته اند.

دارند نظیر این و ام نیز کمتر یا بیشتر به روسیه خسارت بیشتری از جنگ برد، داده خواهد شد ولی تا کنون جز حرف و سر و صدائی از آن نیست و روزنامه کومپانینو بیدارگر آمریکای آید و سخن بود دست خود یک چشم نگاه کند قدمی بزرگ در راه تحکیم و استوار کردن جهان آباد و آزاد داشته است. دادرسی تبهکاران جنگ در اوور بیک هنوز ادامه دارد این روزها نوبت به فن دین تریب وزیر امور خارجه سابق آلمان و پیر مرد شراب فروش روزهای قبل از جنگ بین الللی اول رسیده است. وین تریب تقاضا کرده که غر از ادعای انگلیسی در دادگاه حضور پیدا کند تا رئیس محکمه ثابت کند که پیش از ده سال کوشش کرده است که با انگلستان بیام و دوست و اتحاد بند و ای انگلیس هاراضی نشده اند! در اینکه بالاخره این مرد زرتک هم سر نوشتی شبیه هنگاران خود خواهد داشت شک می نیست اما تصور اینکه اگر نیروی فاشیست بر دنیا غلبه میگرد امروز چه میشد و جهان امروز چه قیانه هیوس و وحشتناکی داشت. بدن هر فرد حساس و مطلع را میبارزاند! قضایای کوچک سیاسی مانند مسافرت جرجیل آمریکا و ورود ژنرال مارشال سفیر کبیر امریکا به چین و نطق حسن سفیر امریکا و وقایع اخیر ترکیه و موضوع واگذاری زغال روه و بر بالکلیس ها و مسئله فلسطین و بودیها و کپینه مشترک انگلیس و امریکا در اینخصوص تشکیل و مشغول بررسی و حل بعضی قضایای دو پهلو و بیجیده شده اند و مسئله تعیین مرکز سازمان ملل متفق در قست خاوری امریکای تاریخ انعقاد اولین جلسه آن در لندن و فوت ژنرال پان که بر اثر تصادم با اتومبیل ضربه برداشته بود و اداره کردن ژان بدست ژاپنیها جزو مسائل روز و بی اهمیت است که ستون سیاسی ما کنجایش حلاجی آنرا ندارد.



بنام آفتاب . امینان

### زمستان

اول آذرماه علاوه سیاه زمستان دومین عزیز ما بالذات تفاوت زمان پیرمحل و مکان می رسد و فرمانفرمای قهاریت با این وسیله میخواهد مردمان غافل از عظمت پروردگار را بیدار و هوشیار سازد و آنان را آزمایش کند و وظیفه خاصی را آنان گوشزد نماید ؛ متکین و معتدین در این فصل بیش از هر موقع بایستی بفرمانات و استنات باشند ؛ و بیشتر نبات حسنه و افکار بزرگ منشا خود را بوقوع عمل در آورند .

صوت سرما و برودت هوا بزرگ و کوچک و پیر و جوان بسی شناسد بهر سو راخ و کباب داخل و وارد میشود مستطع و بیخوارا یک سان تحت سوزش شلاق خود فرار میدهند .

ولی آنانکه متول الله بوسایل مصلح در دفع و رفع این سیاه آسمانی میگویند و با آن بیچاره میردازند روی سخن پاکسانی است که در این بهران زندگی نوره طانت کشاکش را بواسطه نسی بودن کینه مادی با این دشمن جانی ندارند ؛

و چه بسا جان ناتوان و جسم بی رمق خود را نیز در این فصل از دست میدهد ؛ تکلیف چیست و چاره کدام است ؛ آخرین اسلحه قاطع و دوی این درد نیز کک و دستگیری است

دران موقع که جهان بطور اهم و مهمین عزیز ما بلاغش از حین وسایل همیشه مخصوصا خوراک و پوشاک در مضیقه اند ؛

و عزیزت چنگ توان و روان جویان را گرفت ؛ مامم بتوبه خود از خسران و زبان شان سوز آن زیر ها کشیدیم و مصیبت هادیدیم توبه جسی و مادی اکثریت هم میبمان تحلیل رفت ؛

بر توانگران است معاونت خود را در انسی نقاط کشور از بینوایان دریغ نشایند مخصوصا کسانی که در حال حاضر آرزوی تشریف یامکان مقدسه را دارند اگر قسمتی از وجوه مربوطه باین طریق را صرف دستگیری بیچارگان و آبرومندان می ضاعت نمایند ؛ قطع و حسی است رضایت ارواح بزرگان دینی را جلب بدست می آورند و بیفاد ؛ دل بدست آرید که حج اکبر است ؛ باین عمل شریف اجری بی عظیم را برای آخرت خود تهیه میکنند ؛

سرور انبیاء و خاتم اصقیا (ع) بفرماید ؛ کسیکه خودش سیر و همسایه اش گرسنه است از من نیست ؛ همین فرمایش مختصر تکلیف متولین را از هر حیث مبرهن میدارد ؛ در صورتیکه در نظر بگیریم دو مسایه در اصلاح شرعی چهل خانه در چهار جهت خانه هر کس میباشد ؛

وقتی که شعله سوزنک آتش بخاری و رایحه معطر اطمه گردناگون و پوشاک ضخیم در زم گرم خانه خود را میبینید بکسی بی خاکه و سرد و اجاق خاموش نظر بفرمایید فکر کنید ؛

دفعه که به صورت انروخته و با نشاط زن و بچه خود مینگرد چه چه افسرد و رنگ پریده اطفال بیته ایان را در نظر بگیرید موفی در روی تشک نرم و هوای گرم درون تو میبل یا کفش و کالوش لیده آید به پای برهنه و کفش خیس شده دیگران هم توجهی نباید ؛

امیدم برود دیگر وجدان و عاطفه و نرم و نوعخواهی شما بجوش آید و ناله ناتوانان را بگوش شنوید ؛ اکنون که در دنیا در رفاه و آسایش هستید توشه و اندوخته هم برای آخرت در نظر بگیرید چه بهتر آخرت را نیز چون دنیا از خود نماند .

### توتون هم بلای همجینی شده

در اینکه بهاء توتون های خریداری شده از طرف دولت باید پرداخت گردد شکی نیست و در اینکه حمل توتون از نقطه تحویل به نقطه دیگر از ملکیت به عهده دولت است تردیدی نیست اینکه اداره کل دخانیات بگوید بها کمک کنید فلان جنس را از فلان محل بفلان محل حمل کنیم ایرادی نیست ولی اینکه بگوید تا جنس مثلا بتهران حمل نشود پول فروخته داده نخواهد شد متطقی نیست و جز ضعف دولت و عجز و ناتوانی و بی اعتمادی او ب مردم چیز دیگر نمیتوان حمل کرد و نسی توان توقع داشت که مردم دست نرسالیاته خود را فدای فلان پیشنهادی متطقی اداره دخانیات بنمایند

**نتیجه چه خواهد شد اگر اداره کل دخانیات پول مردم را نهد از دوحال خارج خواهد بود .**

۱ - مردم با کمال یاس از دولت بجهل مراجعت میکنند و با اداره دخانیات محل مراجعت کرده و عین جنس خود را مطالبه می نمایند . دخانیات محل هم که جنس را مخلوط نموده نسی تواند عین جنس را پس بدهد کفایت در میگیرد بلوایی راه می افتد . اینها شکایت خواهد شد جنس های بیرون کشیده میشود و کله توتون حسی تمام آن چه را هم که دولت پول داده بدست مردم خواهد افتاد . در این حال نرسالیاتی مرگزی بلند میشود که متعاسرین مهاباد انبارهای دولتی را غارت کرده اند .

۲ - مردم با این فکر مراجعت خواهند کرد که اولیای مرکزی اعتمادی به مهاباد نداشته و حاضر نیستند کارهای مردم آن جا را از راه قانونی حل نمایند و علامت میگویند ما نمیتوانیم تصمیم بگیریم بروید توبه هر چه میخواهید بکنید . در این حال مردم بفر آن اداره امور خود خواهند افتاد آن وقت است که خود معناری قسمتی از کردستان هم در جوار آذربایجان اعلام خواهند شد .

بهتر این است اداره کل دخانیات قبل از هر پیشنهاد اطراف و جوان کار را سنجیده و عواقب آن را در نظر بگیرد آنگاه نظریه اعلام دارد

پول مردم تورا باید داده شود . دولت کامیون بعل بفرستد قطعا مردم آنجا آن قدر که در توانای داشته باشند برای حمل توتون مساعدت خواهند نمود ولی اگر اشکالاتی فوق قوه و قدرت آنان بیش آمد دیگر نصیری متوجه مردم نیست دولت همانطور که نشان بانک را در دست دارد باید خود آن گره فرشی را از کار بگشاید .

ما وظیفه خود دانستیم این تذکرات را با اولیای مسئول بدهیم و بوقایب سوء سیاسی که پیش گرفته اند آنها را واقف گردانیم . راه معلوم است . اخذ تصمیم یا آنهاست . تا کدام راه را انتخاب نمایند .

موضوع توتون امسال در نواحی مختلفه کردستان بلای همجینی برای جان مردم شده در سنده چند نفر شاید بجان مردم افتاده و تا حق و حساب قابل ملاحظه و رضایت بخشی تکبیر نگار را راه نسی اندازند .

در سفر تاجر را حبس میکنند چرا معامله توتون کرده ای .

در مهاباد توتون را میخرند حوالا میدهند که صاحبانش بتهران بیایند و بهاء آنرا تحویل گیرند وقتی هم که بتهران می آیند تازه هزار اشکال پیش پا میکنند و مانند یک مسئله عادی بدون اهمیت یا کمال بی حالی این وقایع را تلقی مینمایند و اگر هم صدای مردم بیرون آید میگویند متعاسرند .

از یکماه پیش باین طرف دسته دسته فرودندگان توتون مهاباد از مالک و تاجر و کاسب با حواله های رسمی اداره دخانیات محل بتهران می آیند تا وجه توتون فروخته شده خود را تحویل گیرند .

دولت در آن منطقه امسال در حدود شش میلیون تومان توتون خریداری کرده در حدود دو میلیون و سیصد هزار تومان بهاء آن را نقد پرداخته بقیه را هم حواله بتهران داده حالیه در تهران دو حدود دو میلیون تومان حواله در دست مردم است

پیش از شش نفر برای دریافت بهاء توتون خود در تهران سرگردانند . وزیر دارایی دستور پرداخت وجه را میدهد اداره کل دخانیات خود داری میکند و میگوید توتون را به تهران حمل کنید آن وقت پول شما داده خواهد در صورتیکه در هیچ جای ایران این بدست نگذاشته نشده که مردم هر چه می فروشند در پایتخت تحویل دهند .

و کیسل بی موکل و نیم بند سفر در مجلس میگوید تکبیرانند حمل شود مال دولت از میان خواهد رفت کسی همس تا بحال اقدامی نکرده بیند آیا حمل توتون از مهاباد بتهران مانعی دارد یا بلا مانع است تا به حال در مهاباد بی نظمی و شرارتی اتفاق نیفتاده و دلیلی هم ندارد که اگر از شهر بفر تا بحال که هیچ قوای دولتی در آن مناطق نبوده و آرامش حفظ شده حالیه نامنی ایجاد شود اگر مردم بیخواستند در آن مناطق مال دولت را غارت کنند

افلا با انبارهای شکر و قماش دست بردی میشد و اگر مردم بیخواستند از دستورات دولت سرپیچی کنند بتهران نیامدند . اینکه بپویند جنس را بتهران حمل کنید آن وقت پول میدهم این خود عدم اعتماد و شک و تردید ایجاد میکند این خود حس بدینی تولید مینماید .

بجای این پیشنهادات نا مهربانه و سرگردان کردن مردم و نا امید ساختن آنان که نشانه بی اطلاعی و بی سیاسی اولیای مسئول امورات خوب بود بطرز عاقلانه ای عمل میشد که مشکلی بر مشکلات ملکیتی افزوده نمیشد .

### فصل

بوقسه بی بی نه صل و باطل قطعه که ونه جستجو  
گوی مدهن هدر گیز به وعده ی بوج و بی مایا و درو  
چون نه بی ناو ربکا عاقل به عهده ی کینه جو  
اسمی وجدان و عداله ت بی همسایه و درو



بقلم آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

# کردوگردستان

-۳۸-

سنه اردلان

## پی شینان و توپانه

پیشینان گفته اند

- ۱- هریشك خولنه کابه سرخویاکه س خولی به سرداناگا .  
مرغ اگر بر سر خود خاک نریزد ، کسی خاک بر سرش نخواهد کرد
- ۲- تازه پیاکه وتووتامودده یک هه ربوی فه قهری لی دیت  
تازه بدوران وسیده تا مدتی همانطور بوی گدایی میدهد
- ۳- جه ژن نهواوبوو، کوانوو کویروهوه بو جشن تمام شد، اجاق از میان رفت
- ۴- خوداعه قل به اولادت بنا تازه ده س خوت دورچوه  
خدا با اولادت مثل بدهد دیگر از خودت گذشته
- ۵- پول پهیدا کردن هونه رنیه خهرج کردنی هونه ره  
پول پیدا کردن هنر ایست ، خرج کردش هنراست
- ۶- له دووای مردوواره حمهت چاکه  
پس از مرده رحمت خوب است
- ۷- دههانی پیری هدرکه  
درمان پیری مرگ است
- ۸- هی شتانهی کوشتوو، پیه کهی نه فروشی  
هنوز نکشته پیه اش را می فروشد
- ۹- کویر گابجروت به نه های چاوه  
کور تا ببرد با انتظار و فکر چشم است
- ۱۰- نوپزی سبجینان عوهری بناو درپژنه کا  
ناز سبکگهان عمر انسان را دوام میکند

این ضرب المثل ها از میان ۵۶ ضرب المثل ارسال آقای محمد امین هوشمند (از سقر) انتخاب شده اند

هم خفه میسازد فرمان حکومت کردستان را برای سلیم پاشا صادر و او را روانه کردستان میسازد.

### « حکومت سلیم پاشای پیه »

سلیم پاشای بایان بوجوب فرمان آزاد خان دورحب ۱۱۶۷ بصوب کردستان حرکت کرده حسعلی خان را «مولا» «لاچولان» در پنج فرسخی قزلبه است مبرستد و خود وارد کردستان میشود شروع بحکمرانی مینماید

پس از هفت ماه حسعلی خان را در قریه «آلک» شربت شهادت می چشاند . بالاخره چند ماه طول می کشد اهل ملک رحلیم پاشا شوریده با نهایت انتطاح بیرونش میکنند توضیح آنکه قریه آلک قیراز قریه آلک مستندج است .»

این مرتبه سلیم پاشا به نواب والا محمد حسن خان قاجار که در اشرف لواء انتدار برافراشته بناهنس میشود که شاید باینوسیله دو- باره بر حکومت کردستان مسلط گردد .

کریبخان و شیخ علی خان هم فرصت را مفتنم شمرده در ۱۳ رمضان (۱۱۶۴) با هشت هزار سوار هشایر به کرمانشاه و زنکنه بقصد انتقام شکست سینه ماضیه رو بکردستان حرکت میکنند. حسن علی خان که شیرازه امور از او هم گسیخته مینماید . و تاب مقاومت در خود مشاهده نیکند . ضمنا و مساکین شهر را در محبت قطب العارفین شیخ محمد وسیم مردوشی ( پسر شیخ احمد علامه) کوچانیده روانه اورامان مینماید .

ملا مصطفی شیخ الاسلام را هم در محبت نجف قلی بیگ باردوری کریبخان مبرستد که هر شکل بوده قضیه را بدوستی و مواصت بر گذار نماید . باین معنی که هشیره حسعلی خان را برای کریبخان و هشیره کریبخان را برای حسعلی خان عقد کنند و چنگ بصلاح میدل شود . کریم خان وقعی بیانات ملا مصطفی و نجف قلی بیگ نداده . و هشیار شهر میشود . حسعلی خان هم ناچار کوچ و با اتباع خود بنقله قراشوره رفته در آنجا حساری میگردد کریبخان بعضی ورود شهر در طرف ۱۲ روز توقف شروع بقتل و کشتار و تهب و غارت اهالی نموده .

شیخ علیخان هم چند روز حسعلی خان را در قلعه قراشوره محاصره مینماید بواسطه استحکام قلعه و فراوانی ذخیره و آذوقه موفق نشد ناچار بنه دژ مراجعت مینماید سلیمان پاشای پیه هم که در سنگلاخ های چنان آواره و سراسیمه بود همینکه خبر ورود کریبخان را بنه دژ میشود بدون درنگ باو ملحق میگردد . پس از مراجعت شیخ علیخان . اردوی کریبخان پس از تهب و غارت از هر طرف شهر بنه دژ را با مساجد و مدارس آتش زده و بسوی گروس حرکت میکنند لدی الورود بگروس خانه محمد امین خان حاکم گروس را هم که دوست حسعلی خان بوده چاپیده غور هید خانم میبه اورا هم با سارت برده گروس را با خاک یکسان میکنند .

حسن علی خان پس از رفتن کریبخان بشهر مراجعت نموده چون اوضاع کردستان و کردستانیان را در هم برهم و پراکنده و از هم گسیخته می بیند ناچار اظهار اطاعت و انقیاد با آزادخان افغان مینماید . حسد و آن هنگام در آذربایجان و حوالی سائن قلعه انتشار دعوی سلطنت داشته است سپس با سرعت و شتاب شروع بجمع آوری فرازبان و اعاده متوازیان و تعمیر عمارات و تجدید آبادانی شهر نموده . سرو صورتی بکردستان . و حیات جدیدی بکردستانیان میدهد پس از دو سال زحمت و پلن مساعی

که منضم فرسخی حاصل میکنند و تاریخ (۱۱۶۶) هجری علیراد خان بختیاری لشگری جمیع سکرده کرمانشاه را منصرف میشود در آن هنگام شخص مجهول النسبی در بغداد پیدا شده خود را پسر شاه سلطان حسین معرفی کرده و اسم خود را هم (شاه سلطان حسین) خوانده است باین عنوان قیام نموده و دعوی سلطنت ایران داشته است میرزا مهدیخان شقانی منشی نادر شاه هم مویت او را تصدیق کرده و با خود بکرمانشاه می آورد علیرادخان این پیش آمد را مفتنم شمرده شاه مجهول النسب یا (شاه سلطان حسین ثانی) مجهول را آلت دست خود ساخته . بزم تسخیر کردستان حرکت میکنند حسعلی خان حکمران اردلان هم مستحضر شده با سیاهی افسردگی و غمنازی زده کردستان برای جلوگیری حرکت میکنند کریم خان زند که این ماجرا می شنود موقع رامتتم شمرده هم برای اجرای غرض میریت خود با علی مردان خان و هم برای حیران سرکات خود با اهالی کردستان با سیاهی گران بعسین علیخان ملحق میشود ، هر دو سیاه گرد و زند در دشت ییلوار کردستان معادف با اردوی علیردان خان بختیاری شده نائزه جنگ در گیر و در همان حمله اول علیردانخان شکست خورده با تلفات سنگینی فرار میکنند و شاه مجهول هم در آن گیر و دار سگشته میشود غیبه و غرگانه و کلیه مهمات علیردان خان که در غور مقام سلطنت تهیه کرده نصیب دلاوران کردو زند میگردد ، پس از این فتح حسعلی خان با مسرت و فیروزی بنه دژ مراجعت نموده کریبخان به سکرمانشاه می تازد .



# بیانات آقای ناصر قلی اردلان

## نماینده کردستان در مجلس شورای ملی

### راجع بآذربایجان

بنده تصور میکنم که هیچ ایرانی نباشد که نسبت بوضع کنونی آذربایجان دردل نگرانی نداشته باشد (صحیح است) و بنده بازم تصور میکنم که هیچ ایرانی نباشد که دردل خود این امید آرزو را نپرورد که این موضوع بهخوبی هر چه زودتر خانه پیدا کند .

یک نگرانی در دو سه سال قبل دردل تمام ایرانیها بود بنده خودم از آن ایرانی ها هستم که این نگرانی در آن دو سه سال قبل دردل من هم مثل همه وجود داشت منتها این نگرانی که حالا دردل من هست برای آذربایجان است نگرانی که در دو سه سال قبل دردل خود داشتم برای دوست متفق ما اتحاد جماهیر شوروی بود در آن تاریخ یکدولت متجاوز و زور گوی بی نام و نوا بود که اتحاد جماهیر شوروی حمله کرده بود و جنگ بیک مرحله ای رسیده بود که هیچ معلوم نبود که بچه ترتیب ممکن است خانه پیدا کند در آن موقع ماهه ایرانی ها بنگرانی آنها اکتفا نکردیم آمدیم علا کت کردیم آنچه که در قوه و در اختیار خود داشتیم برای پیروزمندی دولت اتحاد جماهیر شوروی ۵ مایون تن مهمات از کشور خودمان برای شوروی فرستادیم بنده یقین دارم عامل بسیار مؤثر در پیروز مندی اتحاد جماهیر شوروی ما ایرانیها بودیم (صحیح است) حالا این را بنده یاد کلمه توضیح عرض میکنم که این ۵ مایون تن مهمات از بندر شاه بیاد مکره و روسیه پرواز نکرد آنها بدست یک ایرانیاییکه همه آنها برزگر بوده با برای ما کار نکردند آمدند تمام کارهای داخلی ما را کنار گذاشتند رفتند علم کردند و این ۵ مایون تن کالا را بدولت اتحاد جماهیر شوروی رسانیدند باعث پیروز مندی شد بنده نمیگویم که بعد از آن گفته شاعر نامر ایرانی چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی امروز هم دولت اتحاد جماهیر شوروی باید در این گرفتاریها به کمک متقابل باشند به من میگویم قضیه آذربایجان یک قضیه صرفاً داخلی است (صحیح است) و ما خواهشیکه از دولت اتحاد جماهیر شوروی داریم این است که همانطور که دولت ما آنها را کرده و در مجلس هم این موضوع بحث شده است دست ما را باز بگذارد ما خودمان بطرز عادلانه بطرز یکدیگر دنیای متدین آن را بیستند این قضیه امروز چون قضیه داخلی است ما خودمان حل خواهیم کرد فقط خواهش ما از دولت دوست ما این است که دست ما را در این قسمت باز بگذارد این یک خواهش خیلی کوچکی است در مقابل آن ندادکاریهایی که ما کردیم .

بنده از اشخاصی هستم که برادریهای خارج خلی گوش میکنم مخصوصاً رادوی مسکورادر این اواخر زیاد گوش میکردم و آنچه که بنده احساس کردم یکسوء تفاهمی برای اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی حاصل شده است که تصور کرده اند و میکنند که هیئت حاکمه ایران تمام یک طرف نگاه میکنند اینرا بنده بطور صریح عرض میکنم که اینطور نیست و یکسوء تفاهمی است یک معطلی است که باید بنده در اینجا عرض بکنم و آن این است که ما ایرانیها از نقطه نظر علاقتندی سکه سلطنت خود مان داریم نمی توانیم از دوستی با دولت انگلستان هم صرف نظر بکنیم .

مجال است، سرتاسر سرحداث جنوبی ایران ما با دریای آزاد ارتباط داریم یک ما بحتاجی داریم که باید از خارج وارد شود به سلطنت ما ما با دولت انگلستان که اول دولت دریائی است نمیتوانیم دوستی نداشته باشیم و اگر با او دوستی داریم برای علاقتندی سلطنت خودمان است مسلماً همانطور که با اتحاد جماهیر شوروی علاقه داریم ما با او هم حسد حسنین همعناک هستیم بسیاری از کلامهای ما خریداری جز اتحاد جماهیر شوروی نداشته و ندارد بسیار کلامهایی است که ما اگر بریم از آنجا وارد کنیم همانطوریکه ما با او علاقه داریم با اینهم علاقه داریم ولی چیزی که بنده مکرر در اینجا عرض کردم این است که این گناه نیست که سلطنت خود مان را از هر دوی این دولتها و از دولتهای دیگر بیشتر دوست داشته باشیم دوستیکه ما با این دو دولت داریم برای بقای خودمان است البته یک معطلی را بنده باید در اینجا عرض کنم و بنده بسیار مایل هستم که این نکته را اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی بدان توجه کنند و آن اینست که آذربایجان جان ماست (صحیح است) مجال است که جاکسی را بخواهند از بدن جدا کنند و او دست و پا زد این مجال است اسلایک چیزی است که غیر قابل قبول است، یک امر کاملاً طبیعی است که این جان شیرین ما را اگر بخواهند از بدن ما جدا کنند طبیعتاً مادست و ما عزیزیم طبیعتاً ما ناله و فریاد میکنیم باز هم از نقطه نظر دوستی صحبت ر علاقتندی که ما با اتحاد جماهیر شوروی داریم این است که باز بخود او مراجعه میکنیم میگویم آقایان قضایای داخلی ما است دست ما را باز بگذارد ما این قضیه را خودمان حل خواهیم کرد، آذربایجانها تمام فرزندان خلف این میکنند اگر یک مطالب مشروعی داشته باشند ما وظیفه داریم با اظهارات آنها کار رسیدگی

اثر طبع قانع

## چوار

چوار شتن نه و رو که بوونه نه کبه تی کوردی هه ژار  
جههل به کبی عه قلی دوو بدل بیسی سی، دارا چوار  
مه نعی پیش که وتن نه کن له م خاکمانه چوار کروو  
صوقی به ک، دهرویش دو، به گزاده سی، آغا چوار  
نایه لن بوخوم ره حه ت بم سار به خو تاوی بزیم  
ققریه ک، هاوسی دو، که بیانوسی، کوپخا چوار  
من له داخی سدر کزی نه م میلله ته چوار ده رده  
سیل به ک، مالاری دوو، گورگازی سی، ایسقا چوار  
بادگاری ره نجی به نهجی کورده کانه چوار نه ساس  
قه صریه ک، آراس دوو، شامات سی، به غدا چوار  
فه خره بوومن اعزاز و حورمه تی چوار طایفه  
سازیه ک، لبانقی دوو، شیروانی سی، میدیا چوار  
باز بووم بالی شکندم چوار به لای نه حسی خراب  
خانه قایه ک ته کیه دوو عه ممامه سی عابا چوار  
چوار صفت مه وجوده بوومن بوئه هیچ که س نایه ویم  
قانعی به ک، شیهر دوو، رود خوشی سی، (مه للالا) چوار

در هنگام خواندن اشعار کردی فراموش نکنید  
که هر جا نجه است (۰) هر جا ضه است (۱) هر جا کمره است (۲)  
لوشته شده

بکنیم و همان کار را خواهیم کرد آقای هاشمی نماینده محترم بسیار حرف حسابی فرمودند چند روز قبل فرمودند که ما فرست نداشتیم و این عین حقیقت است مایست سال دودوره دیکتاتوری بودیم که مجال گفتار بیچس داده نیشد و بلا فاصله شهر یور ۲۰ آمد و ما گرفتار شدیم به پذیرائی از قشون متفقین و لهستانی و حد پنج مایون تن کالا و اینها مجال نداد بکارهای داخلی خودمان برسیم، اینها یک گرفتاری هاست که تمام نقاط ایران از این گرفتاریها دارد مهربانان ما مجال بدندانمان خواهیم داد که تمام کارهای خودمان را میتوانیم اصلاح کنیم و خواهیم کرد با حسن نیت و حسن نظر، آذربایجان و سایر نقاط ایران اگر مطالبی دارند میگویند، مگر همین شکایتیکه آقای هاشمی بیست ریمه تقدیم کردند شکایت اهالی کرمان نبود که از گرانی شکایت کرده بودند ؟

بسیار خوب ماینشینم رسیدگی میکنیم، پرپر از آقای دکتر زنگنه بنده میفرمودند که باید بیاید راجع بوضع گرانی، وضع پولمان، وضع قرضیکه بنده چند بار در این مجلس گفتم یک عامل بسیار مورتی که راجع بگرانی است این قرض هائیکه دولت بیانک ملی دارد و موجب زیادی نثر اسکناس است اینها یک مسائل داخلی است این است که بنده زیاد میخواهم وقت آقایان را بگیرم چون آقایان دیگر هم اجازه خواستند بنده فقط از دولت دوست خودمان اتحاد جماهیر شوروی انتظار دارم همانطور که دولت ما خواست است دست ما را باز بگذارند خواهند دید که ما قضایای داخلی خودمان را به نحو مطلوب که موجب نگرانی آنها هم نخواهد بود اصلاح خواهیم کرد



بزم آقای ناصر توانا

ارزستندج

نقد گری چند

اوضاع با استفاده ( از سیل اسلحه و مهمات بی صاحب ) باز هم مشتات و برداری خود را از دست نداده و از گذشته ها با کمال فنوت و مردانگی گذشت کردند. از شهریور ۲۰ هم که زمزمه حکومت دیکراسی شد و ممکن بود این توده خست بر گشته تکانی بخود داده و از زیر فشار کسری واست کنده است. اما سفاکانه پاندمامورین بی نظر ا محض لاله نخواستند. استنده در کردستان حکومت نظامی برقرار شد. استثناء برادر کنی آغاز گردید استثناء بر رنده سازها و کافه برای هاور مزبازی ها شروع شد. تاجایی که دولت بگزارش و سی وزیر مشاور کابینه وقت و قریباً نمایندگان کردستان هم نخواست ترتیب اثر بدهد متوجه است که برنامه منحوس با همان فرمول يك نواخت ۲۳ ساله توام با اعمال نظر های بیشتری ادامه دادند. از گذشته برداری این قوم بر نگیرد و چون اکثر استفاده میشود.

فعله شمری که اثر فکر رسا و طبع شیوای استاد محترم حضرت آقای دبیر معضوس ( هشیار ) بنام پیام بکردستان در شماره ۳۶ درج شده بود باعث مسرت خاطر و تحریک احساسات عموم و خصوص گوهنانات مرتفع و مزایع سیز و خرم و چشمه سازهای مصفاي کردستان با همان جلوه خاص طبیعی پیام شاعر ملی را بگوش جان شنید و آرای آن در قلبهای حساس مردمان این مرز و بوم کارگر شد ولی افکار عمومی نه بزبان گلایه بل با سخن تذکر لازم دانست تکانی را در قبال قطعه شمر مورد اشاره خاطر نشان کرد. سافسوس که شعر و شاعری يك غریزه طبیعی است و چون انکسائی نمی باشد بنده از اینکه بتوانم مطالب خود را در لباس شعر آن هم با آن لطافت و سلامت ادا کنم معذورم.

هین اندازه باز عایت اختصار عرض میکنم جناب آقای هشیار که سالهای سال همی در دستگاه دولتی ملی و بیسر بیان اوضاع از نزدیک اواد بوده اند میبایستی اشاره کرده باشند که جامه کرد و کردستانی ۲۰ سال بنام حکومت خود مختاری انواع فشارات و نامالایات و تعدی و اجحاف را تمیذا قبول کرد و از حادته شهر ریور بسد که ذر الهای فاتح اسلحه و مهمات دولت را در بیابان ها ریخته و با بکریز نهادند در آن فرصت مناسب و آشنگی

حکوردستان باید مالیات بدهد ولی از نعمت فرهنگ و بهداشت و خیلی چیزها بیمنای واقعی محروم باشد. همه شهرت آنها عمران و آبادی برق خیابان اسفالت باغ ملی و سایر مزایای تمدن امروزه میخواهد ولی کردستان باید در عصر اتم برای روشن کردن منازل و شوارع خود از چراغ نفتی قرون وسطی استفاده و عابرین در يك بادنگی مختصر شلوار خود را بالازده تا کمر در منجلاب ولجن فرو رفته و بجان زمامداران دهای

تصحیح بناسبت مقاله آقای توانا از موقع استفاده کرده اشتباهاتی را که در چاپ اشعار آقای هشیار رخ داده بود ذیلاً تصحیح مینمایم: شمر هفتم هنی گویند کز بیداد عدال ستم پشه ستهویدی و از ایران شدی مایوس و سرگردان شمر دوازدهم و سیزدهم گر این منظور را بیکسان خواهند نمودانی که آبانند در هر کار سود خویش را خواهند من این بلورند اهرم گزاتو گزازل بودی پشای فرهی و مجد ایران را بی و بنیان شمر بیستم درختی باشد ایران شاخه های سبز گسترده تو آرزو شاخی که سرافراشتی از غنر بر کیوان

تیه شب بدهی کند ( تا خدای ناخواسته تا فرمان و مترد قامداد نکردند ) روزنامه که در مرکز طبع و کنترل و منتشر و اجازه انتشار آن در همه جا داده شده استثناء در کردستان باید سانسور و فاجاتی باشد و نماینده اش بگوشه زندان کسبل و مورد سی احترامی واقع شود و کاتانه اش با زرسی گردد و کسی نکوبد بالای چشمت ایرو- بلی آقای هشیار کسی فکر تجزیه نداشته و ندارد حب ایران عزیز با شیر اندرون شد و با جان بدر شود و اگر چنین فکری میبود مواقع خوبی در پیش بود ولی انصاف هم خوب چیزی است آیا پادشاه يك ملت مطیع و امیل و بردبار این است و امریکایها با سنا بوستان و قرمز بوستان و دولت بریطانیا با هندی مدینه معامله را میکنند که دولت ایران با مل و آریا بعد از اینکه خونریزی صکه بنام آزادی نوع انسان صورت گرفت دوزی برسیه که بنوع تعدی و اجحاف فشار خود را از کار می کین این گوشه مملکت کمتر کرده و انلا پس از ۳۳ سال ششجه و عذاب مجال نمی کشین با خدی داده شود.

بدرگاه خداوند بپریم و بعنوان مؤمنی بی آزار معرفی کنیم تا چارم نورا قبل از مشرف شدن به حج از میان بردارم این را گفت و شروع بخوردن کبک نمود. چند ساعتی نگذشت صبح نزدیک شده بود حاجی روباه باز گرسنه شد دست در سوراخ کرده آنرین رفیق سفر را بکشید اردک برسید چه میکنی گفت جزای مال قبیح نور امیدم تو غافل از اینکه چه گاهای هر روز و هر ساعت مرتکب میشوی تو که بر سر عمامه سبز داری و میدانی که این نشانه سادات است و سادات از اقباق حضرت رسولند حیا نیکنی از اینکه سر خود را انصلا در انواع کنشالات فرو کرده و بایسن ترتیب بزرگترین ترهین ها را بخادان جابر سادات وارد میاوردی خجالت نیکنی از اینکه با وجود ارتکاب این گناه بزرگ حال هم میخواهی به شاه خدا مشرف شوی چگونه ممکن است این گناه بزرگ تو آمرزیده شود من چگونه میتوانم گناهکار و نوهین کننده ای چون تو را بخانه خدا راهنمایی کنم تا چارم قبل از حرکت از اینجا این عمامه سبز را از سر تو بردارم این را گفت و گنه اردک را کتد. حاجی روباه در نهایت سادگی توانست غروس و کبک و اردک غاقل را پدام افکنند و بادلیرو برهان ثابت کند هر يك از آنها گناهکار و غیر قابل بخششند و در پیشگاه محکمه عدالت آنها را محکوم بپادام و زوال داد.

بشکرا که این نعمت خدادادی قدری رقمید. شاید این رقص خوشحالی را هم رفیقان سفر عبادت حاجی پنداختند هوا تاریک شد. گرسنگی بر روباه مستولی گشته بوده دست در سوراخ کرده غروس را بیرون آورد غروس پرسید چه میخواهی بکنی گفت میخواهم تو را بخورم زیرا سخت گناهکاری. غروس گفت من چگونه گناهکارم هر روز صبح زود تمام مؤمنین ده را با مدای اذان خود بیدار کرده ببادت خدا متوجه میسازم روباه گفت تعذیب میکنم تو چنین خدمتی بهالم اسلام میکنی اما غافل از این هستی که تمام مؤذین یکی دوزن دارند که آنها را بیکه نکاح خود در آورده اصولی نسو زنیهای متعدد میکیری و هیچکدام را رسا و مطابق قوانین شرعی عقد نکرده و از راه حرام با آنها نزدیکی میکنی. جزای کسی که چنین تظلمات بزرگ و غیر قابل بخشش بکند همانا اعدام است و تو را بخانه خدا راهی نیست این را گفت و غروس بیبازوه را طعمه خویش فرار داد. سردی هوا و خشکی راه مسافرتین درون سوراخ را چنان بخود متوجه داشته بود که شیت طولانی رفیق را در نیافته بودند ساهانی چند گذشت. گرسنگی روباه مجدداً آغاز شد دست درون سوراخ حکر کرد کبک را در پنجه گرفته بیرون کشید کبک خواب آورد علت این عمل بیسورد را پرسید روباه گفت چگونه ممکن است من تو را با خود بخانه خدا ببرم تو که هر روز صبح خیلی زود بر بلندی سنگ ها رفته و امالاً مردم را با صدای خود بیدارزه میطابی موجودی چون تو مبارزه طلب و آشوب خواه چگونه ممکن است پس از حج از روش خود صرف نظر کرده مؤمنی صالح طلب شود چگونه من میتوانم موجودی چون تو را

اطراف خود را خوب بنگرید و ببینید چه حاجی روباه هائی در کین شما هستند. می کید پدام آنها یفتند و بسر نوشت غروس و کبک وارد کرد دچار نشوید.



## بهناسبت همدات یکی از فرزندان کرد بچه از صفحه ۱

### تسراه جانسوز

در آن هنگام که پرتو رنگ باخته خورشید از خلال ابر هائی که از بخت او تیره تر است سر بر آورده آفتاب دیسه را اعلام میدارد، دمی به خاطر آن سه روز جاودانی، قدم از کانون سعادت خود بیرون نمید و بر آن گور سر سخت که عزیز او در در آفتاب گرفته است گذری کنیدی و شکرانه نیک بختی خود اشکی از دیده میانشانیدو آهی از دل بر آید.

درینا ؛ بگذرید بر یاد بلند بگویم آن تیره روز جاودانی کسی جرمن نیست.

در آن دم که آسمان به خاطر ماتم زده ای ابدی جامه کوهریار خود را بپرده سیاه بر پوشانده و سیلاب اشک از دیده میبارد شما نیز بیاس قلب شادمان خود بهم آهنگی دلی که برای همیشه شکسته است لحظه لب از غنچه فروبندید و بر ابطال پنج امیدش گامی نپدید و بدانید که آن تیره بخت دور از خاک بسازد، دور از گل پرپر شده اش ناله های جان سوز بر می آورد و خاک بر سر میانشانند.

درینا ؛ بگذارید بیانک بلند بگویم که آن مانوسه ایی کسی جرمن نیست ؛

در آن لحظه که فرشته خوشبختی بروی شما لیغند میرسد و سایه پندیر سر دارید، دست در دستش لبه و جاده سعادت را با شادی می بیناید و از داشتن تیران تکیه کاهی در زندگی مفرور و سر بلند به خاطر آرید که دختری سرگشته و نالان بیاید و دراز دست رفته اش شیون زنان وناله کنان بی آن کسه خود بداند چه میکند و بکیجا میرود و در پیچ و تاب زندگی در تکاپوست ، آردی میرود تا در غرقاب بد بختی و نومیدی یکباره نا بسود شود .

درینا ؛ بگذارید بار بگویم که آن سرگشته نالان کسی جرمن نیست ؛

« ظن درخت اردلان »

## برای اطلاع ستاد ارتش

برقراری اطلاع میدهند و موقعیکه نیروی اهزامی در مرزبان بوده و املاک عشایر و مالکین شهرستانج بدون سرپرست مانده آقای سرهنگ بایددر بوسيله هلی ولز و پری محصول را جمع آوری نموده بطوریکه هنگامیکه صاحبان املاک مراجعه کرده اند جز مختصری چیز بجا مانده بود .

اگر خواننده کان به خاطر دافه باشند در اعلامیه ای که آقای سرتیب هوشمند انتشار صادر کرده بود علت اساسی اردو کشی را استرداد املاک مردم قید نموده بود اگر معنی استرداد املاک این است کسه بهره آن به جیب امثال آقای سرهنگ بابتدر برود باید اذعان کرد کسه اردو کشی واقعا ضروری بوده است !!

چون این موضوع سوا از ترفون الماده ای بخشیده اول انتظار داریم ستاد ارتش در این موقع که سرهنگ نامبرده در تهران است چگونگی جریان را تحقیق نموده تا نایاً فرمانده محترم لشکر کردستان بوسيله کبیسون بی نظر و صلاحیت داری این موضوع را در محل رسیدگی نموده نتیجه را به مقامات مربوطه گزارش نمایند تا واقعا پاکد امینی آقای سرهنگ بابتدر بهتر روشن شود و در موقع ترفیح ایشان بی بهره نمانند.

## آیا اوضاع آذربایجان...

بقیه از صفحه ۱

ندارد و تن هر بیان نمی تواند سرمای زمستان را بیاورد بهار و تابستان تحمل کند.

باید درد مردم را دوا کرد و خیلی هم فوری. دست بدست آمدن و عبارات را در قالب دهان ساختن و بیرون دادن ، درد مردم را دوا نمیکند. اقدام فوری باید کرد. اگر دولت نکند اگر مجلس نکند خود ملت خواهد کرد. بی همین ملت متجاوز همین ملت مسترد.

آقایان نمایندگان مجلس امروز این صدا ها از آذربایجان بلند شده، بهرام و رسم می خواهید نام بگذارید، فردا از تمام شهرستان ها از همدان تهران، در جاوه همین مجلس، در کاخ نصرت و زبیری نظیر این صداها بلند خواهد شد و هما هر قدر بگوید متجاوز مسترد ، خائن وطن فروش و ... فایده ای نخواهد بخشید و شاید شما که مسبب تمام بد بختی های ملت هستید آخرین جلات بر خاش آمیز خود را در روی چوبه دار قطع فرمایید.

وقت صحبت بیهوده نیست . میر و تحمل و انتظار هم فایده ای ندارد . انتظار کفر اس مسکوم هم نتیجه است زیرا باید اطمینان داشت که فلان و فلان دولت در منافع خود را در نظر میگیرند . آنها در ضمن بحال ایرانی نوشته . فوج پرستی هم باین درجه رسیده که آنها برای خاطر

ما ، برای تربیت اولاد های ما ، برای فراهم نمودن وسایل آسایش ما از منافع خود بگذرند و بنگویند ابرایمان هم بشر نه و بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیك گوهرند آنها فکر خواهند کرد چگونه بهتر ممکن است ایرانی را دوشید و از ایران استفاده کرد . ما هر قدر نادان تر باشیم ، هر قدر برده و اوزر تمکین کنیم بیشتر مارا باز خواهند کرد و برای آنها بهتر است و منظورشان بهتر و بیشتر تامین خواهد شد .

ما اگر واقعا عزت و لیاقت زندگی داریم باید نشان دهیم که اقلا میتوانیم خانه خود را اداره کنیم . اگر از اداره کردن خانه خود عاجز باشیم دیگران برای ما ارزشی قائل نیستند و تمام داد و نزیاد های زمامداران نامی ما يك بول سیاه ارزش نخواهد داشت. سرنوشت مارا آن طور که ملاحظ خودشان باشد معین خواهند کرد و سهم جزو گیری و اطاعت چاره ای نداریم .

اکنون ما دقیق حساب را میگیریم این فرصت و این موقعیت را نباید از دست داد باید فوراً اقدامات موثر نمود و کلیه تقاضاهای صحیح مردم را شنید و عادلانه و عادلانه بآن ترتیب اثر داد. سوء تفاهم ها باید هر چه زودتر مرتفع شود و اقدامات اساسی که سعادت ما و مملکت ما را در بر داشته باشد باید آغاز گردد.

## آگهی

صندوق پس انداز ملی مبلغ / ۱۵۰۰۰۰۰ ریال ( یک میلیون و پانصد هزار ریال ) بشوای جایزه بطور قرعه بین دارندگان حساب پس انداز در سال جاری تقسیم مینماید .

جایزه اول - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ( یکمصد هزار ریال ) است

کسانیکه بخواهند از مزایای پس انداز استفاده و در قرعه کشی آن شرکت نمایند بایستی تا قبل از پایان سال در تهران بصندوق پس انداز ملی یا بجاهای شهری و در شهرها و شهرستانها به شعبه های بانایندگیهای بانک ملی ایران مراجعه و برای خود و فرزندان شان حساب پس انداز باز کنند .

۵-۲

## وزارت دادگستری

دو نوشت دیوان کیفر و نوشت ریاست مجلس و نوشت کوهستان و نوشت آقای آصف و نوشت مؤسسه دخانیات دو سال ۱۳۲۱ طبق تشویق اداره دخانیات که میداد محصول همین سال بنطاق دیگر صلح و تریب شود اهالی را و ادار نمودند توتون ستورا از زارع خریداری و اداره وارد و بفروش رساند فدوی هم توتون های رعایای خود را در همان سال خرید و بنام خدمت بدولت جمع آوری و به دخانیات ستوراد و برابری به معنی از روی تشخیص از زبان پدر به حقیقی اداره فروخته و بهای آن را که بالغ بر ۲۵۰۰۰ ریال است از

صندوق مطابق صورت مجلس از اداره دریافت فعالیت دادگاه بهر منظوری که هست راجع به موضوع عمده بنده را منتم و پرونده برای بنده بی سواد تشکیل و بنده را دو روز است بشهریانی تحویل و پانصد هزار ریال از بنده تسخیر میخواهند بدون جهت حیثیات یک نفر تاجر خادم بدولت را با بنال و استرحام رسیدگی را در خواست و علت توقیف را در شهر بیانی استنباح و موضوع معامله مورد بحث را از اداره دخانیات ستوراد جوئی فرمایند تا قضیه روشن شده و عدم تسخیر بنده ثابت بشود.

صالح اخوان